خبر

محمد خزاعی:

پاسخگوی ۴۰ سال مدیریت سینما نیستم!

محمد خزاعی، رئیس سازمان سینمایی در پاسخ گلایه‌های داریوش فرهنگ نسبت به شرایط فرهنگی و ممنوع کارها و فیلم‌های توقیفی گفت: سه سال است مدیریت سازمان سینمایی را برعهده دارم و نه ۴۰ سال و قطعا نمی‌توانم پاسخگوی چهاردهه مدیریت سینما باشم. وی که در آیین رونمایی از جدیدترین رویدادهای موزه سینمای ایران سخن می‌گفت، افزود: طی ۴۰ سال گذشته در همه دولت‌ها همواره برای افراد و آثار مشکلاتی پیش آمده است. در همه دوره‌ها یکسری فیلم‌ها موانعی برای اکران داشتند که در سال‌های بعد به دلیل برخی مسائل، مشکلات‌شان رفع شده است. وی تاکید کرد: هنرمند حزب سیاسی نیست، هنرمند قرار نیست کار سیاسی کند، بلکه هنرمند باید در اثر هنری خودش حرفش را مطرح کند. سینما و فرهنگ هم محل تاخت‌وتاز سیاستمداران نیست، بلکه فرهنگ‌وهنر برای مدیریت سیاستمداران و توسعه و پیشرفت کشور است. آزادی حق هنرمند است، ولی اگر کسی بخواهد به جای کار هنری وارد کنشگری سیاسی شود، طبیعی است که باید مسئولیت کارش را هم بپذیرد. در ادامه این مراسم با حضور علی نصیریان، احترام برومند، گلنوش انتظامی، نظام‌الدین کیایی، گوهر خیراندیش از نخستین کتاب تاریخ شفاهی موزه سینما به نام پژواک سینما و با حضور علیرضا زرین‌دست، داریوش فرهنگ، محمد خزاعی، مجید اسماعیلی از پلتفرم تخصصی موزه سینما رونمایی شد.



دلبری شعر فارسی از فرهنگ و هنر جهان

در روز شعر و ادب فارسی به واکاوی پاسخ این پرسش پرداخته‌ایم که چرا شعر نه تنها به ستون فقرات فرهنگ و هنر ایران زمین تبدیل شده، بلکه فراتر از مرزهای سرزمینی و تمدنی ما را هم تحت تأثیر قرار داده است؟

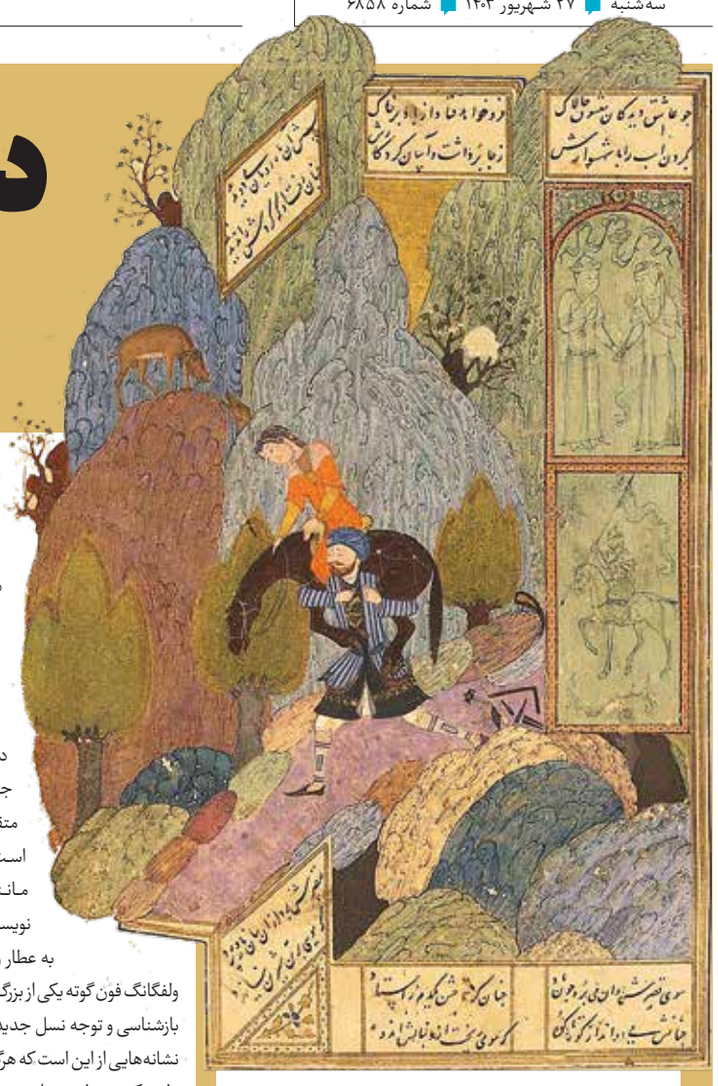



آرش شفاعی
گروه فرهنگ و هنر

شاید در انتخاب روز درگذشت محمدحسین شهریار به‌عنوان روز شعر و ادب فارسی کج‌سلیقگی شده و بهتر این بود که روز تولد یا بزرگداشت یک شاعر به‌خصوص یک شاعر متقدم را به این عنوان انتخاب می‌کردند، اما هرچه باشد سخن گفتن از شعر فارسی در هر روز و هر مناسبتی شیرین است و دلخواه، یک‌بار سیدعبدا... حسینی، شاعر معاصر که کسوت روحانی دارد و سال‌ها به‌عنوان نماینده مراجع در کشورهای دیگر زندگی کرده‌است، تعریف می‌کرد که قصد داشتیم در آفریقای جنوبی شاعران این کشور را دعوت کنیم و با آنها نشستی بگذاریم. هرچقدر جست‌وجو کردیم، نتوانستیم بیش از ۱۷، ۱۸ نفر را پیدا کنیم و وقتی آثارشان را که بررسی کردیم، دیدیم شاعران درجه سه خودمان از نظر کیفیت شعری از آنها بالاترند. حسینی که خودش به چندین زبان مسلط است و به‌خصوص زبان انگلیسی را به حد کامل و در سطح ادبی بلد است، با تأکید می‌گوید که هیچ شاعر انگلیسی‌زبانی در طول تاریخ به گرد پای شاعران فارسی‌زبان نمی‌رسد و حتی شکسپیر با همه عظمت و اهمیتی که دارد، اصلا با حافظ قابل مقایسه نیست. شاعران متقدم و حتی معاصر شعر فارسی هروقت شعرشان درست ترجمه شده، توانسته‌اند هوش از سر دنیا ببرند. یک نمونه مشهور، شعر خیام است که وقتی ادوارد فیتزجرالد تاجر نه‌چندان موفق انگلیسی از طریق یکی از دوستان ادیبش به نسخه‌ای از آن دست یافت. این کتاب، زندگی او را دگرگون کرد؛ به‌گونه‌ای که بارها او را دیدند که در خیابان راه می‌رود و رباعیات خیام را زیر لب زمزمه می‌کند. برای درک درست معنای آن شعرها مجبور شد همه زندگی و تجارت را رها کند و به‌دنبال آموختن زبان فارسی برود و اشعار خیام را ترجمه کند. ترجمه او به‌سرعت مورد توجه قرار گرفت و به یکی از شاهکارهای مورد توجه در ادبیات انگلیسی و به بخشی از ادبیات جهان تبدیل شد. در مورد بسیاری از شاعران متقدم ایران، چنین داستان‌هایی قابل بیان است. تأثیرگذاری فردوسی بر فیلمساز بزرگی مانند فرانسیس فورد کوپولا، شیفتگی نویسنده‌ای به عظمت خورخه لوئیس بورخس به عطار و منطق‌الطیر، شیفتگی دیوانه‌وار یوهان ولفگانگ فون گوته یکی از بزرگ‌ترین شاعران آلمانی‌زبان تاریخ به حافظ و بازشناسی و توجه نسل جدید ادبیات و موسیقی جهان به مولانا، همه نشانه‌هایی از این است که هرگاه شعر فارسی بتواند خود را عرضه کند، در دلبری‌کردن و دل بردن از دوستداران هنر و فرهنگ چیزی کم ندارد.

شعر در تمثیل‌ها و حکمت‌ها

شعر فارسی فقط برای خواص و نخبگان دوست‌داشتنی و خاص نیست، بلکه عموم مردم، مردم عادی کوچه و بازار هم به شعر دل بسته‌اند. همه کسانی که در رفتارها و سنت‌های مردمان کشورهای مختلف مطالعه کرده‌اند، متفق‌القولند که کمتر ملتی چون ایرانیان با شعر چنین گره خورده‌گی داشته باشند. شعر در تولد و مرگ، عزا و عروسی، جشن و پرسه و لحظه‌لحظه زندگی ایرانیان حضور دارد. در جشن‌های چون نوروز و یلدا که از سنت‌های تاریخی و باستانی ایرانیان محسوب می‌شوند، دیوان شاعری چون حافظ در کنار سفره نوروز و یلدا حضور دارد و به رسم تبرک به آن تفال می‌زنند. در شادی و غم، شعر است که بر زبان ایرانیان جاری است و اگر شاعران نباشند، ضرب‌المثل‌ها و حکمت‌ها و نکته‌سنجی‌های ایرانیان، ناقص و بی‌مزه خواهد بود. بسیاری از ضرب‌المثل‌های مشهور، مصرع‌هایی از شاعرانی چون سعدی و حافظ و... است. حتی مصرع‌هایی از شاعران معاصر به مثل سایر در میان مردم تبدیل شده است. مثلا بیت‌هایی مانند «برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی/ که در نظام طبیعت ضعیف پامال است» از علی‌اکبر گلشن آزادی، شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار معاصر است. کمتر ایرانی است که برای تأثیرگذاری بیشتر حرف‌هایش بر مخاطب یا برای ارائه شاهد مثال در جهت روشن‌شدن بیشتر منظورش از شعر استفاده نکند. ارتباطات انسان ایرانی به شکلی مستحکم با شعر شاعران گره خورده است و کمتر ملتی را می‌توان یافت که شعر اینچنین در روابط عادی و گفتارهای روزمره مردمش حضور داشته باشد، اما به‌راستی چرا ایرانیان این‌قدر در همه ساحت‌های زندگی فردی و اجتماعی خود با شعر گره خورده‌اند و چرا هیچ ملت دیگری در جهان در شعردوستی و شعرشناسی به گرد آنها نمی‌رسد؟

نخستین شعله‌های شعر فارسی

اگر به شکلی تاریخی، ایجاد و گسترش شعر فارسی را بررسی کنیم، می‌بینیم که ردپای شعر در تاریخ این سرزمین به دوران قبل از اسلام بازمی‌گردد، رازها و نیازهای زرتشت در «گاثاها» با اهورامزدا، یشت‌ها و سروده‌های مانی از نمونه‌های شعر پیش از اسلام است. در قرون نخستین بعد از استیلای مسلمانان بر ایران، اثری از شعر فارسی نمی‌بینیم. زبان فارسی در میان مردم ایران رایج بود، اما این زبان هنوز به آن تشخص و توانایی نرسیده بود که به زبان ادبی تبدیل شود. دلیل این امر، رسمیت‌یافتن زبان عربی در امور رسمی و اداری و به‌تبع آن ادبی بود. طرفه آنجاست که حتی شاعران و ادیبان ایرانی مخالف سیطره فرهنگ و ادبیات عربی بر ایران که نهضت شعوبیه را برای بازیابی هویت ایرانی راه انداخته بودند، به زبان عربی شعر می‌گفتند. اسماعیل بن نساریسائی در حضور هشام‌بن‌عبدالملک، خلیفه اموی قطعه‌ای به عربی فصیح خواند که در آن برتری نژادی ایرانیان بر اعراب ادعا شده بود، شعری که باعث خشم خلیفه شد تا جایی که نخست قصد جان شاعر را کرد. ابوالحسن مهیاربن مرزویه دیلمی، زیادبن عجم، ابوحاتم سیستانی، بشاربن بُرد تخارستانی، محمد مرزبانی خراسانی، مهیار دیلمی، اسحاق‌بن حسّان سُغدی و از همه مهم‌تر ابونواس شاعرانی ایرانی بودند که به زبان عربی درباره مجد و برتری ایرانیان شعر می‌سرودند. با رسمی‌شدن زبان فارسی در دولت‌های صفاریان و سامانیان و تلاش برای جمع‌آوری افسانه‌ها، اسطوره‌ها و داستان‌های برجای مانده از دوره‌های پیش از اسلام، زبان فارسی اندک‌اندک جان گرفت و شاعران هم سرودن به زبان مادری خود را روی کردند.

دوران طلایی شعر فارسی

قرن چهارم، دورانی مهم و طلایی برای شعر فارسی است، در اولین اتفاق خط و چهارچوب‌های زبان فارسی تدوین و این زبان، از شکل زبانی حاشیه‌ای و غیررسمی خارج و آماده به عهده گرفتن نقش خود به‌عنوان زبان رسمی در دربار و مکتوبات ادبی شد. ضمن این‌که شاعران فارسی زبان، قاعده‌ها و اسلوب‌های وزن شعر را با اقتباس از شعر عربی تدوین کردند و به این ترتیب شعر فارسی دارای ساختار و قواعدی شد که اتفاقا به روح زبان فارسی هم نزدیک بود. در این دوران هم پس از مدت‌ها فعالیت پراکنده، شاعرانی به زبان فارسی شعر می‌گفتند و از بسیاری از آنها فقط بیت‌هایی به جا مانده است (شاعری همچون رودکی به عرصه وارد شد.) اگرچه از رودکی نیز شعرهای زیادی به جا نمانده و مهم‌ترین شاهکارش یعنی ترجمه منظوم کلیله‌ودمنه به‌دست ما نرسیده، بازهم مشخص است که او با نبوغ ادبی، توانمندی زبانی و استفاده از تسلطی که بر موسیقی ایرانی داشت، توانست تراز شعر فارسی را بالا ببرد. نقش او به‌عنوان پایه‌گذار حرکت صعودی شعر فارسی چنان برجسته است که از رودکی به‌عنوان «آدم الشعرا» نام می‌برند. اتفاق مهم دیگری که در این قرن رخ داد و سرنوشت شعر فارسی و مهم‌تر از آن زبان فارسی را تغییر داد، سرودن شاهنامه بود. در دوران سامانیان، حکومت وقت که دغدغه پاسداشت داشته‌های فرهنگی و تاریخی ایرانیان را داشت، دستور داد، اسطوره‌ها و داستان‌های ایرانی جمع‌آوری و تدوین شوند. ابومنصور محمدبن عبدالرزاق، حاکم طوس و وزیرش ابومنصور معمری دست به این کار بزرگ زدند و با فراخواندن چهار تن از زرتشتیان خراسان، سیستان و ثبت روایت‌هایی که آنان به یاد داشتند، کتابی را گردآوری کنند که به شاهنامه ابومنصوری مشهور شد و این کتاب که به نثر نوشته شده، متاسفانه در طول تاریخ از بین رفته است. برای ثبت و به‌خاطر سپردن بهتر این داستان‌های اساطیری هیچ رسانه‌ای به اندازه شعر نمی‌توانست مفید واقع شود. نخستین حرکت برای منظوم‌کردن داستان‌های شاهنامه ابومنصوری را «دقیقی طوسی» انجام داد، اما او در جوانی به دست غلامش کشته شد و این پرچم را شاعر دیگری از همشهریان او؛ یعنی ابوالقاسم فردوسی طوسی بلند کرد.

در جشن‌های نوروز و یلدا که از سنت‌های تاریخی و باستانی ایرانیان‌اند، دیوان شاعری چون حافظ در کنار سفره نوروز و یلدا حضور دارد و به رسم تبرک به آن فال می‌زنند

کار بزرگی که فردوسی کرد

کاری که فردوسی انجام داد، فقط سرودن یک کتاب شعر نبود، او همزمان سه تأثیر مهم بر آینده شعر فارسی برجا گذاشت. اولین تأثیر این بود که او توانست زبان فارسی را قدرتمند کند، به آن شخصیت یک زبان ملی و جاندار بدهد و آن را از قامت یک زبان محلی و غیررسمی به هیأت زبانی دارای آوازه و تأثیر جهانی دربیاورد. پس از فردوسی بود که این زبان چنان دارای نفوذ و شخصیت شد که مرزهای ایران را درنوردید و توانست در مجموعه حوزه تمدنی ایران به‌عنوان عاملی برای یکپارچگی تاریخی و ارتباطات فرهنگی ملت‌های منطقه نقش بازی کند. این زبان بعد از ظهور شاعری چون فردوسی بود که ظرفیت پرورش شاعرانی در ابعاد جهانی را در خود دید و بعد از حکیم طوس، شاعرانی چون خیام، عطار، مولانا، نظامی، سعدی، حافظ و... در این زبان، زبان‌آوری و هنرنمایی کردند. تأثیر دوم فردوسی این بود که وجه حماسی و اسطوره‌ای را به شعر فارسی اضافه کرد و چنان هنرمندانه این کار را انجام داد که بعد از بیش از ۱۰ قرن هنوز هیچ اثری در حماسه به قدرت، شکوه و تأثیرگذاری شاهنامه نیامده است و این کتاب به‌عنوان یکی از معدود آثار حماسی ادبیات فارسی با مهم‌ترین کتاب‌های شعر حماسی جهان هم‌ترازی می‌کند. سومین تأثیر فردوسی بر شعر فارسی این بود که او توانست، وجه رمزی و اسطوره‌ای ادبیات را برای آیندگان خود زنده نگه دارد. اگر به شاعران بعد از فردوسی بنگرید، حتی آنهایی که شعر حماسی صرف می‌سروده‌اند، به اسطوره‌های باستانی ادبیات ایران نیم‌نگاهی داشته‌اند. گاهی میان اسطوره‌های ایرانی و قصه‌های دینی و اسلامی مشابهت‌ها و پیوندهای معنایی برقرار شده است؛ مثلاً نزدیک یا یکی دانستن سلیمان و جمشید یا ابراهیم و سیاوش، اگر فردوسی نبود و این اسطوره‌ها را زنده نگاه نمی‌داشت، امکان چنین فرامتن‌سازی‌هایی در تاریخ ادبیات فارسی وجود نداشت و از این منظر نیز ادبیات ما وامدار فردوسی است.

عرفان و شعر

گفتیم ادبیات حماسی وابسته و وامدار فردوسی است، اما شعر فارسی از قرن پنجم به بعد اندک‌اندک پوست انداخت و تحت‌تأثیر رویدادهای زمانه و تحولات اجتماعی، به عرفان نزدیک شد. درباره دلایل این امر را باید مفصل‌تر نوشت و گفت، ولی به صورت مختصر در دورانی که تنش‌ها و



قاب

۲۵ کتاب نفیس در کتابخانه موزه رضا عباسی

۲۵ عنوان کتاب نفیس با هدف تقویت مجموعه فرهنگی و تمدن ایرانی ـ اسلامی، به کتابخانه موزه رضا عباسی اضافه شد. کتابخانه موزه رضا عباسی، دارای بیش از ۱۰ هزار جلد کتاب به زبان‌های فارسی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی در زمینه‌های تاریخ هنر، باستان‌شناسی، نقاشی کلاسیک و متجاوز از ۵۰ عنوان دوره کامل مجلات فارسی و ۶۰ عنوان دوره مجلات لاتین و حدود ۹۰ عنوان دوره روزنامه‌های قدیمی است. مجموعه کتابخانه قابل استفاده برای همکاران وزارت میراث فرهنگی و گردشگری و دانشجویان و پژوهشگران با در دست داشتن معرفی‌نامه است. موزه رضا عباسی در خیابان دکتر شریعتی، نرسیده به پل سیدخندان واقع است.



قفسه

«چتری برای حوا» روی پیشخوان آمد



مجموعه شعر «چتری برای حوا» شامل سروده جمعی از شاعران به‌تازگی توسط انتشارات شاعران پارسی‌زبان منتشر و روانه بازار نشر شده است. این کتاب شامل اشعاری از شاعران معاصر با موضوع منزلت بانوی ایرانی است.

علیرضا قزوه در مقدمه این مجموعه نوشته است: بسیار تا بسیار بار در کتاب‌ها و سنگ‌انگاره‌ها و سنگ‌نبشته‌ها خوانده‌ایم و دیده‌ایم که زن ایرانی، این مادرخدای مهربان و قدرتمند، همیشه با نجابت تمام و با پوشیدگی خاص خود بر زنان عالم فخر فروخته و در روزگاری که زنان غربی هیچ‌کاره‌ای بیش نبودند. زن ایرانی به شهریاری و امیری سپاه رسیده و گاه در هیات کماندار و گاه در هیات سیاح و گاه در جمال یک ادیب و عارف درخشیده و به تاریخ ادب و فکر و فرهنگ این مرز و بوم آبرو داده است.

در این مجموعه آثاری از رضا اسماعیلی، غلامرضا کافی، ایرج قنبری، میلاد عرفان‌پور، پروانه نجاتی، مریم کرباسی، فاطمه نانی‌زاد، الهام صفالو، الهام نجمی، ایمان طرفه، سمانه رحیمی، علیرضا حکمتی، فاطمه ناظری، حسنی محمدزاده و تعدادی دیگر از شاعران معاصر منتشر شده است.

صحنه

هدف نمایش خلاق اجرای تئاتر نیست



یک کارگردان تئاتر با تاکید بر اهمیت نمایش خلاق در رشد و پرورش کودکان، خاطرنشان کرد: در نمایش خلاق دنبال اجرای تئاتر نیستیم، بلکه در این شیوه، پروسه تمرین برای رشد کودکان اهمیت پیدا می‌کند. بهرام بهبهانی با بیان این‌که کودک و نوجوان در نمایش خلاق به رشد اجتماعی می‌رسد، اضافه کرد: نمایش خلاق کار خود بچه‌هاست و تسهیلگر به‌عنوان کسی که بازی را برای بچه‌ها هدفمند می‌کند یا نقش راهنما و مربی را بر عهده دارد، حضور پیدا می‌کند. بچه‌ها در نمایش خلاق به خیلی نکات پی می‌برند. به رشد اجتماعی می‌رسند، روابط و ارزش‌ها را می‌شناسند و رشد صوتی و آوایی دارند. بهبهانی با اشاره به دیگر ویژگی‌های نمایش خلاق افزود: کودکان در نمایش خلاق درست حرف زدن، تعامل‌کردن، مشارکت داشتن و گروهی کارکردن را یاد می‌گیرند. همه با هم هدفی را در پیش می‌گیرند و آن را جلو می‌برند که بسیار مهم است. وی افزود: هیچ‌یک از جشنواره‌های تئاتری ایران، بخش نمایش خلاق را در خود جای نداده‌اند و این نکته بارز و مثبت جشنواره هنرهای نمایشی کانون است.